

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعید افغانی"

۲۷ جون ۲۰۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر احمد

ترجمه و تفسیر سُورَةُ «النُّور» - ۲

جزء ۱۸

چاپ اول ۲۰۲۲ ©

سورة نور در مدینه نازل شده و دارای شصت و چهار آیت و نه رکوع می‌باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱)

[این] سوره‌ای است که آن را نازل کرده‌ایم و (عمل به احکام) آن را فرض گردانیدیم و در آن آیات روشن و واضح نازل کردیم، تا متذکر و هوشیار شوید. (۱)

تشریح لغات واصطلاحات:

«سُورَةُ»: سوره در لغت به معنای منزلت و مکان والا و بلندپایه را می‌گویند.

سوره: عبارت از آیات زنجیره وار و پیاپی ایست که دارای آغاز و انجامی باشد.

سورة: سور (به فتح سین): بالا رفتن با جهش «و ثوب مع علو» و به ضمّ سین به معنای دیوار شهر (حصار) است. راغب در علت این تسمیه گفته است: سوره مانند حصار است که قسمتی از آیات را احاطه کرده و یا مانند منازل قمر است سورة یعنی «هذه قطعة من القرآن».

«سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا» ای محمد! این یک سوره عظیم الشان از مجموعه سوره‌های قرآن است که بر تو نازل و وحی کرده‌ایم.

«وَفَرَضْنَاهَا» یعنی: عمل به احکام آن را واجب و لازم و قطعی گردانیدیم. قرآن، قانون الزامی و اجرائی دین

است.

«وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ» و در آن آیات روشن و واضح نازل کردیم که به شیوه روشن بر احکام دلالت دارند تا برای شما ای گروه مؤمنان! مشعل و چراغ راه هدایت باشند. در این هیچ جای شکی نیست که: آیات قرآن، روشن و قابل فهم است. (ولی درک قسمتی از آیات آن نیازمند تحقیق و تفسیر را دارد).

تکرار کردن لفظ «أَنْزَلْنَا» برای نشان دادن کمال توجه و عنایت به شأن آن است. طوری که می‌فرماید: ما آن را تنها برای تلاوت محض نازل نکرده‌ایم، بلکه آن را برای عمل و تطبیق نازل کرده‌ایم. «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» تا این که از آن‌ها پند گیرید و آن‌ها را یادآور شوید در معانی آن اندیشیده و به احکام آن عمل کنید. اصول معارف قرآن در فطرت انسان ریشه دارد و با تذکر، پرده غفلت برداشته می‌شود. و ناگفته نماند که انسان به پند و تذکر ضرورت دایمی و همیشگی دارد.

خوانندگان گرامی!

حکم اول و دوم این سوره مبارکه همانا، حد و حکم زنا است که در آیات (۲ الی ۳) به بیان گرفته شده است. طوری که می‌فرماید:

الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي فَأَجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْسَ لَهُمَا عَذَابٌ طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲)

به زن و مرد زناکار (که هنوز ازدواج نکرده‌اند) به هر یک از آنان صد تازیانه بزنید. و اگر به الله و روز قیامت ایمان دارید، نباید در (تتفیز حکم) دین الله درباره آن دوفتر دچار دلسوزی شوید. و باید گروهی از مؤمنان شاهد مجازات آن دو نفر باشند. (۲)

### تشریح لغات واصطلاحات:

إجلدوا (جلد): تازیانه بزنید. رأفت: دلسوزی، ترحم. في دين الله: در حکم و دستور الله، در اجرای فرمان دین الله. طائفة: دسته‌ای، گروهی، عده‌ای، جمعی.

### زنا چیست؟

زنا: عبارت است از مقاربت جنسی مرد با زن بدون عقد ازدواج و بدون وجود شبهه نکاح. «الرَّانِي» آن که عمل جماع را به صورت حرام مرتکب شده است؛ چون در نهایت پستی قرار دارد آن را فاحشه هم می‌گویند. این کلمه مقصور است و گاهی در زبان نجد به صورت ممدود نیز آمده است.

«الرَّانِيَةُ وَ الرَّانِي»: مراد دختر زناکار و پسر زناکار است. چرا که زن زناکار و مرد زناکار برابر سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم، رجم و سنگسار می‌گردند.

زانیه: زنی است که به زنا رغبت داشته و در برابر مرد زناکار تمکین می‌کند، نه زنی که این عمل به‌زور و اجبار با وی انجام می‌شود.

تقدم زانیه بر زانی در آیه مبارکه:

در مورد این که چرا زانیه نسبت بر مرد زناکار در آیت مبارکه مقدم ذکر شده است، باید گفت: از این که نقش زنان در ایجاد روابط نامشروع و فراهم آوردن مقدمات آن، از مردان بیشتر است، به همین دلیل کلمه «الزَّانِيَةُ» زانیه قبل از کلمه «الزَّانِي»: زانی در آیت مبارکه تذکر رفته است.

ولی بالعکس در سرقت و دزدی از این که نقش مردان نسبت به نقش زن بیشتر است به کلمه سارق (مذکر)، را بر سارقه (مونث) در آیت مبارکه مقدم آورده است. طوری که می فرماید: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا تَكْلَافًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (آیت ۳۸ مانده) (مرد و زن دزد را به جزای کاری که انجام داده اند دستشان را قطع کنید. این سزائی است از سوی خداوند و خداوند مقتدر حکیم است.)».

همچنان در مورد تقدم زانیه بر زانی باید یاد آور شد که انگیزه زنا در اغلب احوال از زن بروز می کند زیرا اوست که با چهره نمائی ها و عشومگری های فریبنده برای مرد با روش های گوناگون، او را به عمل حرام تحریک می نماید. دلیل دیگر تقدم ذکر وی این است که مفسده زنا و ننگ و بدنامی آن، در زن بیشتر از مرد است.

در حدیث شریف آمده است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «يا معشر الناس! اتقوا الزني، فإن فيه ست خصال: ثلاث في الدنيا وثلاث في الآخرة، أما التي في الدنيا، فيذهب البهاء ويورث الفقر وينقص العمر، وأما التي في الآخرة: فسخط الله سبحانه وتعالى، وسوء الحساب وعذاب النار.»

«ای گروه مردم! از زنا بپرهیزید زیرا در آن شش خصلت است، سه در دنیا و سه در آخرت؛ اما آن که در دنیا است، این است که: زنا اعتبار و ارزش و جمال و نورانیت انسان را از بین می برد، فقر را بر جای می گذارد و عمر را کوتاه می سازد (مرگ زودرس) و آن سه که در آخرت است عبارت است از: قهرالله متعال، بدی حساب و عذاب دوزخ.»

### زنا حرام و از بزرگترین گناهان کبیره است:

باید یادآور شد که: قرآن عظیم الشان، زنا را از جمله کارهای بد و خبیثی معرفی داشته و از نزدیک شدن به آن پیروان خویش را جداً نهی نموده و می فرماید: «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهَا كَانَتْ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (آیت ۳۲، سوره اسراء) (به زنا نزدیک نشوید، که کار زشت و راه بدی است.)

ترك زنا را نشانه بندگان راستین الله خوانده و می فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ... وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ۖ ۶۸» (فرقان، ۶۳-۶۸) و دوری از این گناه را شرط بیعت با پیامبر صلی الله علیه وسلم می داند. «إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعُكَ عَلَى أَنْ لَا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ» (ممتحنه، ۱۲). (هنگامی که زنان با ایمان نزد تو آمدند تا با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا نگیرند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند.)

رابطه نامشروع جنسی (زنا)، مفسد و زیان های متعددی برای شخص، اجتماعی و خانواده ها را به دنبال دارد، بناءً در دین مقدس اسلام طوری که یادآور شدیم، زنا به صورت مطلق حرام شده و در قرآن کریم، در کنار شرك، قتل و سرقت آمده است.

از عبدالله بن مسعود (رض) روایت است: از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال کردم کدام یکی از گناه ها بزرگتر است؟ فرمود: «أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدَاً وَهُوَ خَلْقُكَ» «این که برای خدا شریک قرار دهی در حالی که او تو را آفریده است» گفتیم: بعد از آن چی؟ فرمود: «أَنْ تَقْتُلَ وَلَدَكَ مَخَافَةَ أَنْ يَطْعَمَ مَعَكَ» «فرزندت را از ترس این که با تو غذا بخورد بکشی» گفتیم بعد از آن چی؟ فرمود: «أَنْ تَزْنِيَ بِحَلِيلَةِ جَارِكَ» «با زن همسایهات زنا کنی.»

متفق علیه: صحیح امام بخاری (فتح الباری) (۱۲/۱۱۴/۶۸۱۱)، سنن ابوداود (عون المعبود) (۶/۴۲۲/۲۲۹۳)، سنن الترمذی (۵/۱۷/۳۲۳۲).

خداوند متعال می‌فرماید: « وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا. يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا. إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ » (فرقان: ۶۸ - ۷۰)

«و کسانی که با خدا معبود دیگری را به فریاد نمی‌خوانند و عبادت نمی‌کنند و انسانی که الله خودش را حرام کرده به قتل نمی‌رسانند مگر بحق و زنا نمی‌کنند، چرا که هر کس این (کارهای ناشایست) را انجام دهد، کیفر آن را می‌بیند و در روز قیامت عذابش مضاعف می‌شود و برای ابد در جهنم به ذللی می‌ماند مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد که خداوند بدی‌ها و گناهان ایشان را به خوبی‌ها و نیکی‌ها تبدیل می‌کند».

در حدیث طولانی که سمره بن جندب درباره‌ی رؤیای پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (فَاتَطَلَقْنَا فَاتَيْنَا عَلِيَّ مِثْلَ التَّنُورِ، قَالَ: وَ أَحْسَبُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: فَإِذَا فِيهِ لَغَطٌ وَ أَصْوَاتٌ، قَالَ: فَاطْلَعْنَا فِيهِ، فَإِذَا رِجَالٌ وَ نِسَاءٌ عِرَاءٌ، وَ إِذَا هُمْ يَأْتِيهِمْ لَهَبٌ مِنْ أَسْفَلٍ مِنْهُمْ، فَإِذَا أَتَاهُمْ ذَلِكَ اللَّهَبُ ضَوْضُوا، قَالَ: قُلْتُ لِهَمَّا: مَا هَؤُلَاءِ، قَالَا: وَ أَمَّا الرِّجَالُ وَ النِّسَاءُ العِرَاءُ الَّذِينَ فِي مِثْلِ التَّنُورِ فَهُمُ الزَّانَاةُ وَ الزَّوَانِي) (صحیح: [صحیح جامع الصغیر ۳۴۶۲]، صحیح امام بخاری (فتح الباری) (۱۲/۴۳۸/۷۰۴۷)).

«رفتم تا به (چاهی) مانند تنور رسیدیم، (راوی) گوید: گمان می‌کنم پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: که از آن سروصداهایی به گوش می‌رسید، فرمود به آن نگاه کردیم، زنان و مردان عربانی را دیدیم که شعله‌های آتش از زیر آن‌ها بلند می‌شد و وقتی که به آن‌ها می‌رسید، داد و فریاد می‌زدند. پیامبر به آن دو (فرشته همراه) گفت: اینان چه کسانی هستند؟ جواب دادند: مردان و زنان عربانی که در چاه تنورمانند بودند، زنان و مردان زناکار هستند».

از ابن عباس (رض) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «لَا يَزْنِي الْعَبْدُ حِينَ يَزْنِي وَ هُوَ مُؤْمِنٌ، وَ لَا يَسْرِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ، وَ لَا يَشْرِبُ حِينَ يَشْرِبُ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ، وَ لَا يَقْتُلُ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ، قَالَ عِكْرِمَةُ: قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ، كَيْفَ يَنْزِعُ الْإِيمَانَ مِنْهُ؟ قَالَ هَكَذَا - وَ شَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ أَخْرَجَهَا - فَإِنَّ تَابَ عَادَ إِلَيْهِ هَكَذَا - وَ شَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ» (صحیح: [صحیح جامع الصغیر ۷۷۰۸]، صحیح امام بخاری (فتح الباری) (۱۲/۱۱۴/۶۸۰۹)، سنن نسائی (۸/۶۳) در روایت نسائی قسمت موقوف حدیث نیامده است).

«بنده زناکار در حال زنا مؤمن نیست و دزد در حال دزدی مؤمن نیست و شرابخوار در حال نوشیدن شراب مؤمن نیست و (قاتل) در حال قتل مؤمن نیست. عکرمه گوید: به ابن عباس گفتم: چگونه ایمان از او سلب می‌شود؟ گفت: اینطور: - وانگشتانش را در هم فرو کرد، سپس آن‌ها را درآورد و گفت: اگر توبه کرد، ایمان این‌طور به او برمی‌گردد، وانگشتانش را در هم فرو برد».

### تازانیه زدن زانی وزانیه:

« فَأَجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ ». « إِبْدُوا »: تازیانہ بزنید.

**جلد:** جلد (به کسر اول): پوست بدن. از انسان باشد یا حیوان و به فتح جیم مصدر است به معنای تازیانیه زدن. زدن با تازیانیه یا عصاست، «جلده» آن‌گاه که کسی بر پوست بدن کسی دیگر تازیانیه بزند. هدف از زدن به وسیله چیزی است که جلد، یعنی پوست بدن را درد و الم برساند، بدون این که باعث شکستگی استخوان و یا پاره شدن گوشت بدن گردد. تازیانیه هم باید به همه اندام‌های لُج بدن به جز رأس و وجه و فرج زده شود. ولی به صورت کل تنبیه بدنی زانی، برای تأدیب او و حفظ عفت عمومی لازم و ضروری است.

## اقسام زناکاران:

شخص زناکار یا محصن است و یا غیر محصن است:

حد محصن ( ازدواج کرده )

**المحصن:** به شخصی گفته می‌شود که: قبلاً با ازدواجی صحیح عمل آمیزش را انجام داده باشد.

اگر شخصی آزاد، محصن (ازدواج کرده) و مکلف و مختار مرتکب زنا شد، حکم آن در شرع همانا رجم است تا این‌که بمیرد:

از جابر بن عبدالله انصاری روایت است: «أن رجلاً من أسلم، أتى رسول الله صلى الله عليه وسلم فحدثه أنه قد زنى، فشهد على نفسه أربع شهادات، فأمر به رسول الله صلى الله عليه وسلم فرجم، و كان قد أحصن» «مردی از قبیله اسلم نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و به او گفت: زنا کرده‌ام، چهار بار اقرار کرد و گفت: زنا کرده‌ام، پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داد تا رجم شود، آن مرد محصن (ازدواج کرده) بود». ترمذی (۱۴۵۴)

از جابر بن عبدالله انصاری روایت است: «أن رجلاً من أسلم، أتى رسول الله فحدثه أنه قد زنى، فشهد على نفسه أربع شهادات، فأمر به رسول الله فرجم، و كان قد أحصن»

(صحیح : [صحیح سنن ابوداود ۳۷۲۵]، سنن الترمذی (۲/۴۴۱/۱۴۵۴)، سنن ابوداود (عون المعبود) (۱۲/۱۱۲/۴۴۰۷)).

(شخصی از قبیله اسلم نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و به او گفت: زنا کرده‌ام، چهار بار اقرار کرد و گفت: زنا کرده‌ام، پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داد تا رجم شود، آن مرد محصن (ازدواج کرده) بود».

از ابن عباس (رض) روایت است که روزی عمر بن خطاب (رض) برای مردم خطبه خواند و گفت: «إن الله بعث محمداً بالحق، و أنزل عليه الكاب، فكان مما أنزل الله آية الرجم، فقرأنها و عقناتها و وعینها، رجم رسول الله و رجمنا بعده، فأخشی إن طال بالناس زمان أن يقول قائل: والله ما نجد آية الرجم فی كتاب الله، فیضلوا بترك فریضة، أنزلها الله، و الرجم فی كتاب الله حق علی من زنى إذا أحصن من الرجال و النساء، إذا قامت البینه أو كان الحبل أو الاعتراف» (متفق علیه: صحیح امام بخاری (فتح الباری) (۱۲/۶۸۳۰)، صحیح امام مسلم (۳/۱۳۷۱/۱۶۹۱)، سنن ابوداود (عون المعبود) (۱۲/۹۷/۴۳۹۵)، سنن الترمذی (۲/۴۴۲/۱۴۵۶)).

«به راستی خداوند محمد صلی الله علیه وسلم را به حق مبعوث و قرآن را بر او نازل کرد. از جمله آیاتی که خداوند نازل کرد آیت رجم است، که آنرا خواندیم و درک و حفظ نمودیم. پیامبر صلی الله علیه وسلم (طبق آن زناکار محصن را) رجم کرد و ما هم بعد از او رجم کردیم. بیم دارم اگر زمان طولانی بر مردم بگذرد، کس بگوید: به خدا قسم آیت رجم را در کتاب خدا نیافتیم، در نتیجه با ترک واجبی که خداوند نازل کرده گمراه شوند، رجم در کتاب خدا حق است و باید بر هر زن و مرد محصنی اجراء شود، و این زمانی است که شهود گواهی دهند یا زن حامله گردد یا به آن اعتراف کنند». (امام صنعانی در سبل السلام در شرح این اثر می‌گوید: اسماعیلی این اثر را با افزوده‌ای به این شرح روایت کرده و آن هم قول عمر است که بعد از (أو الاعتراف) می‌گوید: (وقد قرأنها : الشيخ و الشیخة فارجموها البتة) «ما این آیت را خوانده‌ایم که می‌فرماید: الشیخ و الشیخة فارجموها البتة» یعنی اگر مرد و زن محصن زنا کردند حتماً آنان را رجم کنید».

و در روایتی از نسائی آمده که این آیت در قرآن در سوره (الأحزاب) است.

همین‌طور امام مالک در الموطأ این افزوده را از یحیی ابن سعید از ابن مسیب روایت کرده است.

### اما حد غیر محصن (ازدواج نکرده):

از زید بن خالد جهنی روایت است: (سمعت النبی یأمر فیمن زنی و لم یحصن جلد مائة و تغریب عام) صحیح: [إرواء الغلیل فی تخریج احادیث منار السبیل ۲۳۴۷]، صحیح امام بخاری (فتح الباری) (۱۲/۱۵۶/۶۸۳۱).  
«شنیدم پیامبر دستور داد فرد غیر محصنی را که مرتکب زنا شده بود، صد تازیانه بزنند و یکسال تبعید کنند». از عباد بن صامت روایت است: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (خذوا عنی خذوا عنی، قد جعل الله لهن سبیلاً، البکر بالبکر جلد مائة و نفی سنة، و الثیب بالثیب، جلد مائة و الرجم) صحیح: [مختصر صحیح مسلم ۱۰۳۶]، صحیح امام مسلم (۳/۱۳۱۶/۱۶۹۰)، سنن ابوداود (عون المعبود) (۱۲/۹۳/۴۳۹۲)، سنن الترمذی (۲/۴۴۵/۱۴۶۱)، سنن ابن ماجه (۲/۸۵۲/۲۵۵۰).

«از من یاد بگیرید از من یاد بگیرید، خداوند چاره زنان زناکار را مشخص کرده است. غیر محصن (ازدواج نکرده) صد تازیانه و یکسال تبعید، و محصن (ازدواج کرده) زناکار صد تازیانه و سنگسار کردن». همچنین هر ازدواج و نکاحی که علماء بر بطلان و عدم صحت آن اجماع داشته باشند اگر بر اثر آن همبستری صورت گیرد، موجب اجرای حد شرعی درباره مرتکبان زنا است. مانند همبستری با زن پنجم که بعد از چهار زن موجود عقد شده باشد یا مانند همبستری با زن بیگانه‌ای که همسر دارد و شخصی با او عقد نکاح بندد و با وی همبستر شود و مانند نکاح با زنی که هنوز در عده دیگری است و مانند نکاح مجدد زنی که مطلقه به طلاق ثلاثه است و هنوز با شخص دیگری ازدواج نکرده است در همه این احوال اگر به دنبال چنین نکاح همبستری صورت گیرد، موجب حد شرعی است و چنین نکاحی شبهه تلقی نمی‌گردد.

### حد برده :

اگر برده یا کنیزی مرتکب زنا شود، رجم نمی‌گردد بلکه باید پنجاه تازیانه به او زده شود، به دلیل فرموده خداوند متعال: ( فَإِذَا أَحْصَيْتَ فَإِنَّ أْتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ) (نساء: ۲۵)  
«اگر پس از ازدواج از ایشان (جاریه‌ها) زنا سر زد، عقوبت ایشان نصف عقوبت زنان آزاده (یعنی پنجاه تازیانه) است».

از عبدالله بن عیاش مخزومی روایت است: (أمرنی عمر بن الخطاب فی فتیة من قریش، فجلدنا و لائد من و لائد الإمارة، خمسين خمسين فی الزنا) حسن: [إرواء الغلیل فی تخریج احادیث منار السبیل ۲۳۴۵]، موطأ امام مالک (۸/۲۴۲)، بیهقی (۵۹۴/۱۵۰۸).  
«عمر بن خطاب به من و جماعتی از جوانان قریش دستور داد تا تعدادی از جاریه‌های امارت را به خاطر زنا تازیانه بزنیم، به هر کدام از آن‌ها پنجاه تازیانه زدیم».

### حکم کسی که بگوید: با فلان زن زنا کرده‌ام:

اگر مردی اعتراف کند که با فلان زن زنا کرده است، حد تنها بر او جاری می‌شود و اگر زن هم به این امر اعتراف کرد، بر او هم حد جاری می‌شود در غیر این صورت حد جاری نمی‌شود.

از ابوهریره و زید بن خالد روایت است: «دو خصم نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم شکایت بردند، یکی از آن‌ها گفت: میان ما با کتاب خدا داوری کن، دیگری - که از دوستش به مسائل شرعی آگاهتر بود - گفت: بلی ای پیامبر خدا میان ما به کتاب خدا داوری کن، و به من اجازه بده صحبت کنم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: صحبت کن، آن مرد گفت: پسر من عسیف این مرد بود - مالک گوید: عسیف به معنای کارگر است - و با همسر او زنا کرده، به من خیر دادند که پسر من باید رجم شود، من هم صد گوسفند و کنیزم را در عوض این کار دادم، سپس از اهل علم سؤال کردم به من گفتند که سزای پسر من صد تازیانه و یکسال تبعید است و تنها همسر آن مرد باید رجم شود. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (أما والذی نفسی بیده، لأقضین بینکما بکتاب الله، أما غنمک و جاریتک فرد علیک) «قسم به ذاتی که جانم در دست او است بین شما به کتاب خدا داوری می‌کنم، گوسفندان و کنیزت به خودت برمی‌گردند، و پسر او را صد تازیانه زد و یک سال تبعید کرد و به انیس اسلمی دستور داد که نزد آن زن برود، اگر اعتراف کرد رجمش کند، آن زن اعتراف کرد و او را رجم کرد» (متفق علیه: صحیح امام بخاری (فتح الباری) (۶۸۲۸، ۱۲/۱۳۶/۲۷)، صحیح امام مسلم (۱۶۹۸، ۳/۱۳۲۴/۹۷)، سنن ابوداود (عون المعبود) (۱۲/۱۲۸/۴۴۲۱)، سنن الترمذی (۲/۴۴۳/۱۴۵۸)، سنن ابن ماجه (۲/۸۵۲/۲۵۴۹)، سنن نسائی (۸/۲۴۰)).

#### بر کسی که به زور وادار به زنا شود حدی نیست:

از ابو عبدالرحمان سلمی روایت است: (أتی عمر بن الخطاب بامرأة جدها العطش، فمرت علی راع فاستسقت، فأبی أن یسقیها إلا أن تمکنه من نفسها، ففعلت فشاور الناس فی رجمها، فقال علی هذه مضطرة أری أن تخلی سبیلها، ففعل) (صحیح: [إرواء الغلیل فی تحریح احادیث منار السبیل ۲۱۱۳]، بیهقی (۸/۲۳۶)).

«زنی را نزد عمر بن خطاب آوردند که تشنگی بر او چیره شده بود و از کنار چوپانی گذشته و از او درخواست آب کرده بود، چوپان دادن آب را بر او تا انجام عمل زشت، امتناع ورزیده بود، آن زن هم (از روی ناچاری) قبول کرده بود. لذا عمر درباره رجم آن زن با مردم مشورت کرد، علی(رض)، گفت: این زن مجبور به انجام این کار شده است؛ به نظر من باید او را به حال خودش بگذارید، عمر(رض) همین کار را کرد».

#### حکم کسی که با حیوانی آمیزش کند:

حکم عمل جنسی با حیوانات، به اتفاق مذاهب چهارگانه، تعزیر فاعل آن بر حسب صلاح دید حاکم است.

از ابن عباس روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (من وقع علی بهیمة فاقتلوه و اقتلوا البهیمة) «هر کس با حیوانی آمیزش کرد او و حیوان را بکشید». (حسن صحیح: [صحیح سنن الترمذی ۱۱۷۶]، سنن الترمذی (۳/۸/۱۴۷۹)، سنن ابوداود (عون المعبود) (۱۲/۱۵۷/۴۴۴۰)، سنن ابن ماجه (۲/۸۵۶/۲۵۶۴)).

#### حد لواط:

هرگاه مردی با مردی دیگر عمل لواط را انجام دهد، حد آن کشتن است خواه محصن یا غیر محصن باشند: از ابن عباس روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (من وجدتموه یعمل عمل قوم لوط فاقتلوا الفاعل والمفعول به) «هر کسی را یافتید که عمل قوم لوط را انجام داد، فاعل و مفعول را بکشید». صحیح: [صحیح سنن ابن ماجه ۲۰۷۵]، سنن الترمذی (۳/۸/۱۴۸۱)، سنن ابن ماجه (۲/۸۵۶/۲۵۶۱).

حکم لواط در نزد شافعی، مالک، احمد، ابویوسف و محمد، حکم زناست، که نزد شافعی بر آن، حد زنا جاری می‌شود اما نزد مالک و احمد بن حنبل حد آن فقط رجم است. ولی ابوحنیفه بر آن است که حکم لواط، حکم زنا نیست و از آنجا که مهر به آن تعلق نمی‌گیرد، حد هم به آن تعلق نمی‌گیرد بلکه به آن تعزیر تعلق می‌گیرد. فقها اتفاق نظر دارند بر این‌که همجنس بازی زنان و استمنای مردان با دست، سزاوار تعزیر، تأدیب و توبیخ است.

### المکلف:

به شخصی که: بالغ و عاقل باشد اطلاق می‌شود، پس بر کودک و دیوانه حد اجراء نمی‌شود به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: «رفع القلم عن ثلاثة: عن المجنون حتى یفیک، و عن النائم حتى یستیقظ، و عن الصبی حتى یحتلم» «تکلیف از سه دسته برداشته شده است: از دیوانه تا هوشیار شود، از به خواب رفته تا بیدار شود و از بچه تا بالغ شود».

ابوداود (۴۳۸۰)

### «كُلٌّ وَاحِدٌ مِنْهُمَا مِائَةٌ جَلْدَةٍ»

ملاحظه می‌شود که در روابط نامشروع، هر دو طرف به يك میزان تنبیه می‌شوند. (مگر در مواردی که حکم خاصی دارد).

جمله «مِائَةٌ جَلْدَةٍ» در آیه مبارکه به‌طور واضح می‌رساند که: حدود مجازات باید از طرف خداوند متعال معین شود. قابل یادآوری است که زدن صد تازیانه، حد زنای مرد آزاد بالغ بکر (غیرمتأهل) و زن زناکار آزاد بالغ غیرشوهردار است، البته در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم افزون بر زدن صد تازیانه، تبعید یک سال هم ثابت شده است، هر چند این حکم میان فقها اتفاقی نیست.

اما مرد و زنی که آزاد و متأهل باشند، یعنی با نکاح صحیح ازدواج کرده باشند و میان آن‌ها مقاربت هم انجام گرفته باشد - هر چند یک بار - و مرتکب زنا گردند، حد آن‌ها بنا بر سنت صحیح متواتر، رجم (سنگسار) است و فقها بر این حکم اتفاق نظر دارند.

همچنین اتفاق نظر دارند بر این‌که حد زنای مرد و زن متأهل برده که آزاد نیستند، فقط زدن تازیانه است زیرا در بردگان سنگساری نیست.

اما در خصوص حد زنای بکر (مرد و زن غیرمتأهل)، احناف با عمل به صریح آیت، فقط به تازیانه حکم می‌کنند نه به تبعید یک سال ولی جمهور فقها (مالک، شافعی، احمد حنبل) برآنند که حد زنای مرد بکر، صد تازیانه به اضافه تبعید یک سال از محل اقامتش می‌باشد و حد اقل مسافت این تبعید نزد شافعی‌ها و حنبلی‌ها، مسافت کوتاه کردن نماز یعنی مقدار (۸۹) کیلومتر است.

اما نزد مالکی‌ها، مرد بکر در همان سرزمینی که تبعید شده، زندانی نیز می‌شود، ولی زن بکر زناکار به اتفاق فقها تبعید نمی‌شود تا مبادا بار دیگر در تبعیدگاه به آفت زنا مبتلا گردد.

این آیت ناسخ آیت حبس و آیت آزار دادن زناکاران است که در دو آیت ۱۶ و ۱۵ سوره «نساء» بیان شده، زیرا مجازات مرد زناکار در صدر اسلام آزار دادن و طعنه زدن و مجازات زن زناکار زندانی کردن وی درخانه‌اش بود، که آن حکم با این آیت منسوخ شد.

«و لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» در مجازات مجرمان، ترحم و تحت تأثیر عواطف قرار گرفتن، روا نیست. بلکه محبت و رأفت باید در مدار شرع باشد.



هدف این است که حدود الله تعالی را به سبب مقام اشخاص، شفاعت و میانجی‌گری دیگران، لومه این و آن، وسوسه شیطان، و غیره تعطیل و رها نسازید و از آن هم نگاهید. و در اجرای حکم الله دل‌تان به حال آن‌ها نسوزد و به رحم نیائید، طوری که آن‌ها را به آرامی بزنید و یا تعداد ضربات را تقلیل دهید. بلکه تازیانه را دردآور حواله نماید. مجاهد گفته است: یعنی حدود الله را تعطیل نکنید و اقامه و اجرای آن‌ها را به انگیزه دلسوزی و شفقت ترک نکنید. (تفسیر کبیر ۱۴۸/۲۳).

در جمله « **فِي دِينِ اللَّهِ** » نشان می‌دهد که دین تنها؛ نماز و روزه زکات و حج نیست؛ اجرای حدود الهی نیز از جمله احکام دین است.

« **إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ** » صلابت و قاطعیت در اجرای حدود الهی، در سایه ایمان به مبدأ و روز قیامت به دست می‌آید. برای اقامه بی‌کم و کاست حدود، نشانه ترغیب و تشویق در جهت اجرای آن است تا فرمان الهی و احکامش آن‌سان که مشروع است، جامه عمل پوشد.

هدف آیت مبارکه تحریک و برانگیختن است. این بدین معنی است که اگر واقعاً الله و روز جزاء را تصدیق و بدان اعتقاد دارید، حدود الله متعال را تعطیل و فراموش نکنید و نسبت به زناکاران شفقت و رحم روا مدارید؛ زیرا گناه زنا بزرگتر از آن است که عاطفه را تحریک نماید و ترحم را برانگیزد.

### تشهیر در اجرای حکم زنا:

« **وَ لِيُشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ** » مجازات مجرم، باید مایه عبرت دیگران شود، زناکار، علاوه بر شکنجه جسمی، از نظر روحی نیز باید زجر و جزا ببیند؛ بدین اساس و باید جمعی از مؤمنان در موقع عقوبت زناکاران حاضر باشند تا برای آن‌ها زجر آورتر و بازدارنده‌تر باشد؛ زیرا رسوا شدن در انظار مردم، نسبت به عذاب و شکنجه دردناکتر است.

بناءً گروهی از مؤمنان بر عذاب آن‌ها حاضر باشند، تا سرزنش بیشتر، تشهیر، رسوائی و بدنامی زناکاران پس کیفر آنان با تشهیر همراه است.

« **طَائِفَةٌ** »: طائفة به معنای دسته. گروه. یعنی در مراسم اجرای حد الهی، باید گروهی از مؤمنان حضور داشته باشند. که در تعداد حضور مردم فقها نظریات متفاوت و مختلفی دارند، برخی از فقها می‌گویند این تعداد؛ باید چهار نفر و برخی دیگری می‌گویند که این تعداد بالاتر از آن، و برخی می‌گویند که ده نفر و یا هم بیشتر از آن باشد.

امام نجم الدین امام ابو حفص عمر بن محمد نسفی (۴۶۱ - ۵۳۷ هـ) در تفسیر خویش می‌نویسد: «حد اقل گروهی که باید در هنگام مجازات زناکاران حاضر باشند، سه یا چهار نفر است».

همچنان پیروان مذهب حنفی و مذهب حنبلی می‌گویند که؛ باید تمام حدود الهی در محضر مردم برپا داشته شود زیرا هدف از اقامه حدود، هشدار دادن به مردم و بازداشتن آن‌ها از ارتکاب چنان اعمالی است.

### یادداشت اول:

زنا به وسیله یکی از این سه چیز ثابت می‌شود:

الف: اقرار به زنا.

ب: حامله شدن زن بی شوهر.

ج: شهادت چهار نفر که شهادت دهند که بدون هیچ گونه شک و شبهه‌ای، زناکاران را در حال عمل جماع دیده‌اند و آلات تناسلی آنان را داخل یکدیگر مشاهده نموده‌اند (برای تفصیل مراجعه شود به: تفسیر المراعی).

### یادداشت دوم:

آیت مورد بحث، حکم آیه‌های ۱۵ و ۱۶ سوره نساء را در صد تازیانه محدود و معین کرده است.

### یادداشت سوم:

عبارت: « **الْشَّيْخُ وَ الشَّيْخَةُ إِذَا زُنِيََا فَأَجْلِدُوهُمَا أَلْبَتَّةَ، نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهِ عَزِيزٌ حَكِيمٌ** »! که برخی آن را آیت رجم نام داده و جزو قرآن منسوخ التلاوة به‌شمار آورده اند، نه از زمره آیات الهی و نه از جمله احادیث نبوی است (مراجعه شود به، تفسیر عبدالکریم خطیب، جلد ۱۷ و ۱۸، صفحات ۱۲۱۲ - ۱۲۱۷).

### یادداشت چهارم:

مسأله تغریب، یعنی تبعید یک ساله زناکار هم که در بحث زنا مطرح است، بعضی آن را حدیثی منسوخ، و برخی آن را سخنی نادرست به‌شمار آورده‌اند، گروهی هم آن را افزون بر صد تازیانه به صلاح دید حاکم یا قاضی واگذار کرده‌اند. «تفسیر نور»

سید قطب در تفسیر خویش «فی ظلال القرآن» در تفسیر این آیت مبارکه می‌نویسد:

(از جمله احکام سوره، یکی این است که) هر یک از زن و مرد زناکار (مؤمن، عاقل، حر، و ازدواج ناکرده) را صد تازیانه بزنید و در (اجرای قوانین) دین خدا رأفت (و رحمت کاذب) نسبت بدیشان نداشته باشید، اگر به روز قیامت ایمان دارید، و باید گروهی از مؤمنان بر (اجرای حکم ناظر، و به هنگام زدن تازیانه‌ها و) شکنجه ایشان حاضر باشند. مرد زناکار (پیش از دست کشیدن از کار خبیث زنا، و توبه کردن از آلوده دامانی) حق ندارد جز با زن زناکار (فاحشه‌ای که از عمل زشت فاحشه‌گری دست نکشیده و از آلوده دامانی توبه نکرده باشد) و یا با زن مشرک (و کافری که هنوز بر شرک و کفر ماندگار باشد) ازدواج کند، همان‌گونه هم زن زناکار (پیش از دست کشیدن از کار پست زنا و توبه از آلوده دامانی) حق ندارد جز با مرد زناپیشه (مانندگار بر زناکاری و توبه ناکرده از آلوده دامانی) و یا با مرد مشرک (و کافری که هنوز شرک و کفر را رها نکرده باشد) ازدواج کند. چرا که چنین (ازدواجی) بر مومنان حرام شده است. (تفسیر فی ظلال القرآن: سید قطب بن ابراهیم شانلی (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ.ق).

### حد چیست؟

حد نوعی از مجازات است که کیفیت و کمیت آن توسط شرع مقدس اسلام تعیین شده است و مراجع قضائی و قضات از این اختیار برخوردار نمی‌باشند که در مورد نوع، کیفیت، میزان و حدود شرعی تصمیم‌گیری نمایند. به تعبیر دیگر؛ دادگاه و مرجع رسیدگی به جرایمی که مجازاتش در قانون حد تعیین شده است، نمی‌توانند کمیت و کیفیت مجازات حد را کاهش یا افزایش و یا ساقط نمایند.

در شرع اسلام مشخص شده است که؛ جرایم مستوجب حد، تنها با توبه و طلب مغفرت الهی قابل تقلیل و ساقط شدن می‌باشند و از این نظر؛ مجازات حد، ثابت و غیر قابل تغییر قلمداد می‌شود.

### با چه چیزی حد ثابت می‌شود:

حد به یکی از دو چیز ثابت می‌شود: فقه السنه (۳/۳۵۲)، اقرار یا شهود: حد با اقرار ثابت می‌شود؛ چون پیامبر صلی الله علیه وسلم ماعز و غامدیه را به‌خاطر اقراری که کردند رجم کرد. از ابن عباس (رض) روایت است: (لما أتى ماعز بن مالک النبی قال له، لعلک قبلت أو غمزت أو نظرت، قال لا یا رسول الله، قال: أ نکتها؟ - لایکنی - قال: فعند

ذلک أمر برجمه) صحیح : [صحیح سنن ابوداود ۳۷۲۴]، صحیح امام بخاری (فتح الباری) (۱۲/۱۳۵/۶۸۲۴)، سنن ابوداود (عون المعبود) (۱۲/۱۰۹/۴۴۰۴).

«وقتی ماعز بن مالک نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد، پیامبر به او گفت: شاید او را بوسیده‌ای یا لمس یا نگاه کرده‌ای، گفت: نه ای رسول خدا، پیامبر صلی الله علیه وسلم (با لفظ صریح) فرمود: آیا با او جماع کرده‌ای – به کنایه نگفت – (ابن عباس) گوید: در این هنگام پیامبر دستور به رجم او داد».

از سلیمان بن بریده از پدرش روایت است: (أن النبی جاءته امرأة من غامد من الأزد فقالت: یا رسول الله طهرنی، فقال: ویحک ارجعی فاستغفری الله و توبی إلیه، فقالت: أراک ترید أن ترتدنی کما رددت ماعز بن مالک، قال: و ما ذاک؟ قالت: أنها حبلی من الزنا، قال: أنت؟ قالت: نعم، فقال لها: حتی تضعی ما فی بطنک، قال: فکفلها رجل من الأنصار حتی وضعت، قال: فأتی النبی فقال: قد وضعت الغامدیة، فقال: إذن لا ترجمها و ندع ولدها صغیرا لیس به من یرضعه، فقام رجل من الأنصار فقال: إلی رضاعه یا نبی الله، قال: فرجمها) (صحیح : [مختصر صحیح مسلم ۱۰۳۹]، صحیح امام بخاری (فتح الباری) (۳/۳۲۱/۱۶۹۵).

«زنی غامدی از قبیله ازد نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای رسول الله! مرا پاک کن، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: وای بر تو! برگرد و از خدا طلب استغفار و توبه کن، (زن) گفت: می‌بینم که می‌خواهی من را هم مانند ماعز بن مالک رد کنی، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: چه کرده‌ای؟ (آن زن) گفت: او در اثر زنا حامله شده است. فرمود: تو؟ گفت: بله، پیامبر به او فرمود تا وقتی وضع حمل نکنی حد بر تو جاری نمی‌شود، (سلیمان) گوید: مردی از انصار سرپرستی او را بر عهده گرفت تا وضع حمل کرد. (سلیمان) گوید: سپس آن مرد نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: زن غامدیه وضع حمل کرده است، پیامبر فرمود: در این حالت او را رجم نمی‌کنیم، که بچه کوچکش تنها بماند و کسی نباشد که به او شیر بدهد، مردی از انصار بلند شد و گفت: ای رسول خدا! شیر دادن او بر عهده من. (سلیمان) گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم او را رجم کرد».

اگر کسی که به زنا اقرار کرده است، از اقرارش پشیمان شود حد بر او جاری نمی‌شود؛ به دلیل حدیث نعیم بن هزال که گوید: ماعز بن مالک، یتیمی بود تحت سرپرستی پدرم، و با یکی از زنان محله زنا کرد ... تا جائی که گفت: پیامبر دستور داد که او را رجم کنند، پس او را به حره بردند. وقتی که او را رجم کردند، و دید که سنگ به شدت به او می‌خورد بی‌تابی کرد و پا به فرار گذاشت، عبدالله بن انس او را دید، در حالی که دوستانش نتوانستند او را بگیرند، عبدالله سم شتری را برداشت و او زد، و او را کشت، سپس نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و جریان را برایش تعریف کرد، پیامبر فرمود: (هلا ترکتموه لعله أن یتوب فیتوب الله علیه) (صحیح: [صحیح سنن ابوداود ۳۷۱۶]، سنن ابوداود (عون المعبود) (۱۲/۹۹/۴۳۹۶). «چرا او را به حال خودش رها نکردید، شاید توبه می‌کرد و خداوند توبه او را قبول می‌کرد».

ادامه دارد